

بسم الله الرحمن الرحيم

ترک شدن مردم سوریه توسط برادران شان باعث به تأخیر افتادن پیروزی شان علیه ستمگران سوریه گردیده است



(ترجمه)

هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۸م بخاطر نجات و حمایت از رژیم دست نشانده‌اش از طریق ارتش خود در افغانستان مداخله نمود که بعداً وارد مسابقه تسلیحاتی با ایالات متحده شد و با تمام قدرت خود ادعای یکه‌تازی در میدان مسابقه را نمود، امت مسلمه از شرق و غرب سرازیر شدند تا با این ارتش قدرت‌مند مقابله کنند. بنأ ندای عمومی جهاد در راه الله سبحانه و تعالی برای مقابله با ارتش کفری شوروی را سر دادند. از پاکستان الی عربستان سعودی و از لیبیا تا مراکش و سوریه، جنگجویان به طور فعال توسط قدرت‌های خود پشتیبانی می‌شدند، و یا این‌که حد اقل قدرت‌های شان مانع آن‌ها نمی‌شدند. این جنگجویان بعد از ده سال مقابله که در جریان آن اتحاد جماهیر شوروی با از دست دادن عساکر و تسلیحات جنگی زیادی مواجه شد، ارتش شوروی را مجبور به عقب نشینی از افغانستان کردند و جماهیر شوروی شکست‌اش را در مقابل تعداد کم از مجاهدین که برادران شان را در افغانستان در مقابل آن‌ها کمک می‌کردند، اعلام نمود.

این مثال در این عصر مدرن تصدیق می‌کند که اگر امت اسلامی مسائل خود را طوری که لازم است جدی بگیرند، می‌توانند بر دشمنان خود پیروز شوند. و اگر چنین کنند، مانند پدران شان پیروز خواهند شد. روایت گردیده است که خالد بن ولید رضی الله تعالی عنه نامه‌ای به کسری فرستاد و گفت:

«أسلم تسلم، وإلا جنتك برجال يصرون على الموت كما تصرون أنتم على الحياة»

ترجمه: اسلام بیاور تا سالم بمانی و گرنه مردانی را به سویت روانه می‌کنم که مرگ را دوست دارند همان‌گونه که شما زندگی را دوست

دارید.

بعد از خواندن این نامه، کسری از امپراتوری چین طلب همکاری و کمک نمود. امپراتور چین در جوابش چنین گفت: «ای کسری! من و مردمانم توان مقابله با قومی را نداریم که اگر اراده کنند کوه را جابجا می‌کنند.»

مردم سوریه تا حد خفه شدن فریاد می‌زنند! از روز اول فوران انقلاب‌شان در مقابل رژیم ظالم سوریه، آن‌ها از برادران‌شان (فرزندان این امت)، طلب کمک و همکاری نمودند.

با این حال هیچکس جز چند تن از فرزندان امت به کمک آن‌ها نرسید، زیرا قدرت‌های جهانی و غلامان آن‌ها (حکام مسلمانان) مانع آن‌ها شدند. علاوه بر این، به جای حمایت از ستم‌دیده‌گان، این کشورها، معاهدات بین‌المللی را برای گسترش جنگ‌های صلیبی علیه امت تشکیل دادند. این رژیم ستمگر در برابر مبارزین مخلص مردم شام از هر نوع قواء کار گرفت. در نتیجه این جنگ صلیبی، بیش از یک میلیون نفر کشته، بیش‌تر از پنج میلیون نفر پناهنده، اضافه‌تر از شش میلیون مهاجر شدند؛ در حالی که بیش از یک میلیون دیگر در برخی از مناطق سوریه تحت محاصره قرار گرفته‌اند. افزون بر این، در زندان‌های این رژیم ظالم که بیش از صد هزار نفر به سر می‌برند، به اشکال مختلف شکنجه و همچنین مورد سوء رفتار ذهنی و جسمی قرار گرفته‌اند، به نحوی که حتی در دوره اشغال اسپانیا توسط صلیبی‌ها مثال آن دیده نشده است و حتی حیوانات جنگل از آن خجالت می‌کشند.

مردم سوریه برای تقویة انقلاب خود در مقابل رژیم اسد و ائتلاف بین‌المللی، به توانایی‌های اندک خود تکیه کرده‌اند. با توجه به ضرر و زیان آن‌ها در زندگی و اموال‌شان، "آن‌ها چیزی برای از دست دادن ندارند". با این حال، آن‌ها توانسته‌اند به مبارزه خود ادامه دهند و از هدف خود برای سرنگونی رژیم مستبد اسد و جایگزین کردن آن با یک نظام اسلامی، باز نمی‌ایستند. اگر این توطئه‌های نزدیک و دور و از ترک شدن آن‌ها توسط برادران‌شان نمی‌بود، آن‌ها رژیم بشار ستمگر را مدت‌ها قبل سرنگون می‌کردند. در واقع، درک آن‌ها نسبت به برادران مجاهد افغان‌شان بیشتر است؛ زیرا، اگر دیگران با آنچه مجاهدان سوری با طرح‌ها، کشتار و سوء استفاده... مواجه شدند، مواجه می‌شدند، هیچ‌کسی در میان‌شان باقی نمی‌ماند که در پی دست یافتن به اهداف عالی باشد، بلکه به جای آن موضع جنایتکارانه بین‌المللی و رژیم نصیری دمشق را می‌پذیرفت. با این حال، خشونت و بی‌عدالتی در این رژیم کفری باعث گردیده تا مردم سوریه به شمول نیروهای مقاومت دست به مبارزه بزنند، چون گزینه دیگری را به جز مقاومت صلاح‌نی‌بینند تا به استبداد این رژیم پایان دهند. این است که آن‌ها مانند طارق بن زیاد اند.

هنگامی که دشمن کشتی‌های نیروهایش را سوزاند و در مقابل ارتش با دریایی که پشت سرش بود، قرار گرفت، طارق گزینه دیگری نداشت؛ مگر این‌که تا هنگام مرگ مقاومت نماید، تا پیروز گردد.

استقامت اهل شام در برابر طوفان، برای سایر مسلمانان امت باوقار اسلامی عذر پنداشته نمی‌شود تا از اهل شام حمایت نکنند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

[انفال: ۷۲]

ترجمه: بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و مهاجرت کرده‌اند و با جان و مال خود در راه الله (سبحانه و تعالی) جهاد نموده‌اند، و کسانی که پناه داده‌اند و یاری نموده‌اند برخی از آنان یاران برخی دیگرند و اما کسانی که ایمان آورده‌اند ولیکن مهاجرت ننموده‌اند ولایتی در برابر آنان ندارند تا آن‌گاه که مهاجرت می‌کنند. اگر به سبب دین‌شان از شما کمک و یاری خواستند، کمک و یاری بر شما واجب است، مگر زمانی که مخالفان آنان گروهی باشند که میان شما و ایشان پیمان باشد. الله می‌بیند آنچه را که می‌کنید.

حقیقتاً که رژیم سوریه ضعیف و خسته شده است و حقیقتاً که پیروزی مردم سوریه بر این رژیم نیازی به تلاش بسیار زیاد ندارد. هر دولت در جهان اسلام می‌تواند به فرستادن افراد و تسلیحات جنگی این انقلاب را تقویت بخشد. در صورتی‌که بخواهد به فرمان الله سبحانه و تعالی متابعت کند و فریضه کمک کردن مسلمین را انجام دهد.

بطور مثال پاکستان می‌تواند بعضی از نیروهای ویژه آموزش دیده خود را با برخی از سلاح‌های با کیفیت بالا مانند اسلحه‌های ضد هواپیما اعزام بدارد تا نیروهای هوایی روسیه، ترکیه و ایالات متحده را فلج و خنثی نماید؛ زیرا تفوق این سلاح این است، قبل از این‌که باعث کشتن غیرنظامیان شود، جنگجویان این رژیم را هدف قرار می‌دهد. در نتیجه، توازن نیروهای ائتلاف برهم خورده و باعث سرنگونی رژیم ستمگر مذکور می‌گردد. با این حال، به خوبی قابل فهم است که رژیم‌های جهان اسلام-از جمله رژیم پاکستان تحت رهبری سیاسی و نظامی فعلی- رژیم‌هایی اند که غلامانی با داران غربی‌شان می‌باشند و بر گردن مسلمانان این سرزمین حکومت می‌کنند. و آن‌ها نیز کمتر از رژیم ظالم بشار مجرم نیستند. بنابر این، از آن‌ها انتظار نمی‌رود که از انقلاب سوریه حمایت کنند. در عوض، انتظار می‌رود که آن‌ها نقش مشابهی با ترکیه داشته باشند، نقش میزبانی و پیوستن به نیروهای ائتلاف و شراکت با بشار، روسیه، امریکا و ایران در کشتار مردان، زنان و کودکان و در تخریب‌هایی که حتی سنگ‌ها و درختان را باقی نمانده است...، ایفاء می‌نماید. به این ترتیب همه‌ای آن‌ها می‌خواهند که انقلاب مقدس سوریه را نابود نموده و مردم را مجبور سازند تا تحت حاکمیت کفری و استبدادی بشار به ذلت‌شان تن دهند.

بلی امت اسلامی، امت واحد و جدا از دیگر مردمان اند. و تا زمانی‌که موقف متحد در مقابل قضایای خود نگیرند، قادر نخواهند بود که به هدف‌شان برسند.

رسول الله (صلی علی علیه وسلم) می‌فرماید:

«الْمُسْلِمُونَ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ يَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ وَيُجِيرُ عَلَيْهِمْ أَقْصَاهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ يَرُدُّ مُشَدِّدُهُمْ عَلَى مُضْعِفِهِمْ وَمُتَسَرِّعِهِمْ عَلَى قَاعِيدِهِمْ لَا يُقْتَلُ مُؤْمِنٌ بِكَافِرٍ وَلَا ذُو عَهْدٍ فِي عَهْدِهِ.»

ترجمه: خون مسلمانان یکی بوده، آن‌ها در تعهد، پیمان و بیعت مساوی اند، از دورترین شان باید محافظت شود؛ البته زمانی‌که کسی بالای‌شان حمله می‌کند، آن‌ها مانند یک دست بر علیه همه کسانی در خارج از جامعه‌شان می‌باشند. قوی ایشان پاسخ در مقابل ضعیف بوده، سلحشور شان پاسخ در مقابل نشسته‌شان می‌باشد. هیچ مسلمان نباید در مقابل غیر مسلمان کشته شود (مگر به اساس قصاص)، و هر کسی‌که با مسلمانان عهد و پیمان دارد نباید تا زمانی‌که بر پیمان خود وفادار است، کشته شود.

بخاطری‌که این رژیم‌ها موانع در مقابل مردم و ارتش‌های مسلمان اند تا برادران شان را در سوریه کمک و حمایت کنند، پس عزل آن‌ها (حکام سرزمین‌های اسلامی) بر اساس این قاعده فقهی (ما لا يتم الواجب الا به فهو واجب) حتی است. و نقش امت مسلمه در بر اندازی این رژیم‌ها این است که اصرار کنند تا مخلصین اهل قدرت در ارتش ریشه‌های حکام و رهبران مزدور فعلی را برکنند و رهبری امت را به حزب التحریر، مدافع خلافت بر منهج نبوت، بدهند.

رسول الله (صلی علی علیه وسلم) فرموده‌اند:

﴿مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْدُلُ أَمْرًا مُسْلِمًا فِي مَوْضِعٍ تُنْتَهَكُ فِيهِ حُرْمَتُهُ وَيُنْتَقَصُ فِيهِ مِنْ عَرَضِهِ إِلَّا خَدَلَهُ اللَّهُ فِي مَوْطِنٍ يُحِبُّ فِيهِ نَصْرَتَهُ، وَمَا مِنْ أَمْرٍ يَنْصُرُ مُسْلِمًا فِي مَوْضِعٍ يُنْتَقَصُ فِيهِ مِنْ عَرَضِهِ وَيُنْتَهَكُ فِيهِ مِنْ حُرْمَتِهِ إِلَّا نَصَرَهُ اللَّهُ فِي مَوْطِنٍ يُحِبُّ نَصْرَتَهُ﴾

ترجمه: کسی‌که آبروی مسلمانان را ببرد و عزت او را پایمال کند، الله سبحانه و تعالی، در جایی‌که باید نصرت شود، رسوایش می‌کند. و کسی‌که مسلمانان را در جایی‌که آبرویش می‌رود و عزت اش پایمال می‌شود نصرت کند، الله سبحانه و تعالی او را در جایی نصرت می‌کند که ضرورت به نصرت دارد.

مسئولیت حمایت از مسلمانان مبارز در سوریه جدا از مسئولیت حمایت از مسلمانان در دین نیست. علاوه بر آن، این مسئولیت بر هر کسی که به یگانگی الله سبحانه و تعالی ایمان دارد، در اولویت قرار دارد.

همدردی و گریه کردن بخاطر ستم دیده‌گان سوریه و بیرون از سوریه و این که آن را ایمان ضعیف بنامیم هیچ سودی ندارد. ضعیف‌ترین ایمان تنها از کسی قابل قبول است که توانمندی ندارد و هیچ‌گاهی از کسی که توانمندی دارد این دلیل پذیرفته نمی‌شود. بدون شک مسلمانان بشمول مردم پاکستان توانمندی حمایت و همکاری برادران شان را در سوریه دارند، آن‌ها باید یک حاکم و رهبر نظامی مخلص، یک خلیفه که بر اساس کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله (ﷺ) فرمانروایی کند را انتخاب نمایند.

بلال المهاجر-پاکستان

نوشته شده برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحرير

۲۴ جمادی الاول ۱۴۳۹ هـ ق

۱۰ فبروری ۲۰۱۸ م